



Woman in Development and Politics

The position of women's welfare rights in the protective umbrella of the Constitution of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on social security as a human right

Zainab Esmati¹ | Seyedeh Latifeh Hosseini² | Mohammad Mehdi Hosseinmardi³

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. E-mail: zeinab.esmati@kiau.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: l.hosseini@alzahra.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Islamic knowledge, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: phd_mardi@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 October 2022

Received in revised form: 29

January 2023

Accepted: 20 February 2023

Published online: 23 September 2023

Keywords:

Constitution,
Islamic Republic of Iran,
Social Security,
Welfare Rights,
Women.

ABSTRACT

The constitution at the top of the hierarchy of laws has played an influential role in explaining the human rights status of women in any society. the status of women's rights has been one of the concerns of the Republication Islamic of Iran since the adoption of the Constitution of the Islamic Republic of Iran from the very beginning, the role and position of women in advancing the lofty goals of society based on religious values was considered. welfare rights for women are one of the subject discussed during of the constitution of the Islamic Republication of Iran. the main purpose of this study is to investigate the position of women's welfare rights in the Islamic Republic of Iran's Constitution. In the present article, this research question has been investigated which according to the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, what are the welfare rights of women in terms of the gender justice and the equality opportunities and what are the priorities of the law for them? The present study aims to examine the issue of demands for welfare rights in the field of social security for women in Iranian society as important human resources in the structure of the current constitution by using an analytical approach and library resources. The present investigate the welfare demands of Iranian women with the process of protective foundations mechanisms in welfare rights and livelihood security for women could be help to make powerful them in the society. Their fundamental needs as right-wing citizens are a issue that is meant to represent the constitution's capabilities and agendas based on ideals and understanding of the responsibility of social protection for women. According to principle of responsibility based on standards of human rights and compliance with legal obligations, governments cannot be indifferent to women's citizenship rights and livelihood destiny. Women's welfare rights are one of the topics discussed during the adoption of the Iranian constitution after the Islamic Revolution. the Constitution as a connected bed in the welfare rights of women with establishing the gender justice and forming such opportunity that they would be create role in all region of human rights. Thus, the constitution at the top of the pyramid laws, so weighing the transfer of values and principles of democracy has had an effective role in explaining the human rights status of women in every society. In The results indicate that the four decades of experience of the sovereignty the Islamic Republic of Iran and the achievements of the constitutional system based on national-religious values in the light of the divine caliph's approach to human sovereignty indicate that women in the welfare economy system as citizens in Iranian society have social security in various fields women.

Cite this article: Esmati, Z., Hosseini, S. L., & Hosseinmardi, M. M. (2023). The position of women's welfare rights in the protective umbrella of the Constitution of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on social security as a human right. *Women in Development and Politics*, 21(3), 693-716. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.350215.1008268>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.350215.1008268>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

جایگاه حقوق رفاهی زنان در چتر حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تأمین اجتماعی به مثابه حق بشری

زینب عصمتی^۱ | سیده لطیفه حسینی^۲ | محمدمهدی حسینمردی^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: esmati_tehranbar@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: l.hosseini@alzahra.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: phd_mardi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:

قانون اساسی، نظام جمهوری

اسلامی ایران، تأمین اجتماعی

حقوق رفاهی، زنان.

قانون اساسی در رأس هرم سلسله‌مراتب قوانین، نقش اثرگذاری در تبیین جایگاه حقوق انسانی بانوان هر جامعه داشته است. جایگاه حقوق زنان از زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دغدغه‌های آن بود و از همان ابتدا نقش و جایگاه زنان در پیشبرد اهداف متعالی جامعه مبتنی بر ارزش‌های دینی مورد توجه قرار گرفت. حقوق رفاهی زنان از جمله موضوعاتی است که در دوران تصویب قانون اساسی ایران بعد از انقلاب اسلامی مورد بحث بوده است. این پژوهش به بررسی جایگاه حقوق رفاهی زنان در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تأمین اجتماعی به‌عنوان یک حق بشری می‌پردازد. در نوشتار حاضر این موضوع واکاوی شد که مطابق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان از امتیازات حقوق رفاهی در راستای عدالت جنسیتی و کسب فرصت‌های ناشی از آن برخوردارند و قانون اولویتهایی برای آن‌ها در نظر داشته است. پژوهش پیش‌رو، مبحث مطالبات حقوق رفاهی را در حوزه تأمین اجتماعی بانوان جامعه ایران به‌عنوان منابع انسانی مهم در ساختار قانون اساسی کنونی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد تجربه بیش از چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای برقراری نظام قانون اساسی برآمده از ارزش‌های ملی-مذهبی است. این شرایط مبین آن است که بانوان در منظومه اقتصاد رفاهی به‌عنوان شهروند جامعه از تأمین اجتماعی در حوزه‌های مختلف برخوردار هستند.

استناد: عصمتی، زینب، حسینی، سیده لطیفه و حسینمردی، محمدمهدی (۱۴۰۲). جایگاه حقوق رفاهی زنان در چتر حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با

تأکید بر تأمین اجتماعی به‌مثابه حق بشری. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۱(۳)، ۶۹۳-۷۱۶.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.350215.1008268>

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.350215.1008268>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

جایگاه حقوق زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از دغدغه‌هایی بود که در ابتدا به شکل دکترینی از سوی بنیان‌گذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان اراده‌الای انسانی و احترام به حق تعیین سرنوشت بانوان مطرح شد (Khomeini, 1989: 300). سپس در فرایند تدوین قانون اساسی از جانب قانون‌گذاران وقت با توجه به جایگاه و نقش زنان در پیشبرد اهداف متعالی جامعه مبتنی بر ارزش‌های دینی مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که زنان جزو اقشار آسیب‌پذیر در جامعه هستند، حقوق رفاهی آن‌ها یکی از موضوعات حقوقی و اخلاقی بوده که از گذشته دور توجه اندیشمندان مختلف را به خود جلب کرده است. زنانی که به دلایل متعدد از جمله فوت همسر، متارکه، طلاق، ازکارافتادگی همسر، مفقودالاثر بودن همسر و... سرپرستی خانواده خود را برعهده گرفته‌اند، علاوه بر نقش مادری و وظیفه سنگین پدری را نیز عهده‌دار شده‌اند و نیاز دارند تا به استقلال رفاهی دست پیدا کنند (Outhwaite & Bottomor, 2013: 478). به همین سبب در اصل بیستم قانون اساسی آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» امور متعددی که زنان عهده‌دار آن هستند مانند تربیت فرزند، رسیدگی به امور منزل، تأمین نیازهای روحی-روانی و مادی فرزند، تأمین هزینه مسکن و... آن‌ها را با مسائل و مشکلات بی‌شماری روبه‌رو می‌کند و فشارها و تنش‌هایی بیش‌ازحد توان و ظرفیتشان به آن‌ها وارد می‌کند که به‌مرور ممکن است آن‌ها را به سمت انواع ناراحتی‌های روحی و روانی سوق دهد (Malekzadeh, 2016: 404). به همین دلیل عدالت اقتصادی جنسیتی اقتضا می‌کند تا سهم درخوری به نیازهای رفاهی آن‌ها اختصاص داده شود. حال آن که در عصر جهانی‌سازی، مطابق اصل دهم، خانواده یکی از مهم‌ترین سنگرهای مقاومت و مرزبان ارزش‌ها است و می‌توان با کارآمدی خانواده، به‌ویژه با ارتقای جایگاه و نقش زنان، تحولات اجتماعی و تاریخی را به نفع توسعه ارزش‌های انسانی و مفاهیم جاودانه اسلامی جهت داد.

پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که مطابق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان از چه امتیازات حقوق رفاهی در راستای عدالت جنسیتی و کسب فرصت‌های ناشی از آن برخوردارند. به این ترتیب در جهت پاسخ به پرسش پژوهش، در یک بخش با توجه به ضرورت تعریف مفاهیم کاربردی مرتبط با موضوع، مبانی نظری مطرح و مفاهیم ضروری تعریف می‌شوند و در بخش بحث و یافته‌ها، با توجه به رویکرد عدالت اقتصادی در تبیین حقوق رفاهی زنان در نظام حقوقی ایران در طول دوران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این موضوع بررسی می‌شود و درنهایت از آنجا که حقوق تأمین اجتماعی و رفاه از طریق سه حوزه بیمه‌ای، حمایتی و امدادی اجرا

می‌شود، لازم است هر کدام به شکل مجزا مطالعه شود. حقوق اساسی ایران، تأمین اجتماعی را حق مسلم و همگانی بشری و نه یک حق ناشی از قرارداد اعلام می‌کند و دولت را مکلف کرده است که در حدود قوانین، خدمات و حمایت‌های مالی را عرضه کند.

۲. پیشینه پژوهش

منابعی پراکنده نظیر مقاله درباره تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از موضوعات حقوقی به زبان فارسی و لاتین وجود دارد که به نحو کلی به تبیین موضوع پرداخته‌اند. هرچند منابع موجود، موضوع حق تأمین اجتماعی را به‌مثابه حق بشری با محوریتی که در این مقاله ارائه شده دربرنمی‌گیرند. با این حال بهره‌گیری از همین منابع پراکنده در نگارش این مقاله به پژوهشگر کمک کرده است.

بادینی (۱۳۷۸) در مقاله «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی» نشان داد در شرایط حاضر که تأمین اجتماعی با پوشش سنتی، کارایی خود را از دست داده است، تنها چاره این است که سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی، زنان خانه‌دار را مورد توجه خاص قرار دهند. مطابق اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت مکلف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند. بند چهار آن اشاره به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست کرده و وظایف دولت را در ارتباط تأمین اجتماعی زنان و جایگاه آن در سیاست‌های حمایتی به‌روشنی تبیین کرده است. نویسنده معتقد است با اینکه در این قانون بر ایجاد بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست تأکید شده و در اصل ۲۹ قانون اساسی نیز به ضرورت برخورداری زنان از تأمین اجتماعی با ذکر عبارت «یک‌یک» افراد کشور توجه شده است، بسیاری از زنان و دختران بی‌سرپرست مطلقه، سالخورده، بیوه و حتی شاغل، تحت پوشش هیچ تأمین و حمایت اجتماعی در کشور قرار ندارند. در نظام حقوقی ایران، حمایت‌های تأمین اجتماعی در شکل بیمه‌ای به اعتبار اشتغال است و اشتغال به معنای وجود رابطه میان فرد حقوق‌بگیر و حقوق‌دهنده تعریف می‌شود؛ بنابراین زنان و دختران خانه‌دار، جمعیت غیرفعال اقتصادی محسوب می‌شوند. شایگان (۱۳۷۲) در مقاله «نظام ملل متحد و حقوق زن» از منظر رفع تبعیض نسبت به برخورداری زنان از حقوق در جامعه پرداخته است و تحول در نقش سنتی را راهکار رفع تبعیض می‌داند؛ با این بیان که سهم بزرگ زنان در رفاه خانواده و پیشرفت جامعه تاکنون چنان‌که باید درک نشده است. همان‌طور که مقدمه کنوانسیون زنان بیان می‌کند، با در نظر گرفتن اهمیت اجتماعی جنبه مادری زن و نقش والدین در خانواده و پرورش کودکان، نقش زنان در تولیدمثل نباید مبنایی برای تبعیض باشد. پرورش کودکان مستلزم سهیم شدن زن و مرد و جامعه در این مسئولیت است. زنی که به‌دلیل مسئولیت سنگین خانوادگی قدرت

استیفای حقوق خود را ندارد، عملاً نسبت به او تبعیض روا می‌شود. اگرچه قانون حقوق مساوی او را با مردان شناخته باشد. بنابراین سهمین شدن پدر و مادر در مسئولیت به‌منظور رسیدن به تساوی کامل زن و مرد، مستلزم تحول در نقش سنتی آن‌ها در جامعه و خانواده است. نگارنده مقاله حاضر با بهره‌گیری از منابع موجود به تحولات مثبتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه حق تأمین اجتماعی زنان به چشم می‌خورد با این رویکرد که چنین حقی یک حق بشری است که آحاد ملت باید از آن برخوردار باشند، پرداخته است. با این توضیح که صرف اعمال تساوی مطلق بین زن و مرد بدون در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی عادلانه نیست؛ چرا که تساوی صوری و قانونی مانع از اعمال تبعیض واقعی و عملی نمی‌شود. قوانین مربوط به تساوی رفتار به‌خودی‌خود برابری واقعی را در پی ندارد. علت طبیعت متفاوت زن و مرد است و قانون‌گذاری بدون توجه به مقتضیات طبیعت ذی‌حق، خود نوعی بی‌عدالتی و تبعیض تلقی خواهد شد.

۲-۱. مبانی نظری

با توجه به اینکه در مقاله حاضر به بررسی حقوق رفاهی زنان در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود، قبل از پرداختن به این موضوع، لازم است برخی مفاهیم اساسی تعریف شود. از جمله این مفاهیم تأمین اجتماعی، تبعیض و حقوق رفاهی هستند.

۲-۱-۱. تحلیل مفهومی زن

انسان ماده را می‌گویند که در مقابل آن واژه مرد قرار دارد و نیز به معنای جفت مرد می‌آید که در عربی به آن زوجه می‌گویند (Amid, 2010: 60). امروزه در اغلب کشورهای جهان، زمینه حضور زنان در بستر توسعه بر پایه تعریف توسعه همه‌جانبه فراهم شده است. زنان نه تنها به‌عنوان زن، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی و نیز با فرصت‌هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، در عرصه توسعه نقش آفرینی می‌کنند (Heydari, 2018: 105). اغلب در نوشته‌های پس از جنگ جهانی دوم تا نیمه‌های دهه ۱۹۶۰، مفهوم زن به‌عنوان یک جنس به کار رفته و مانند موجودی با مشکلات خاص خود و جدا از مردم دیده شده است (Center for Women's Participation in the Presidency, 2002).

۲-۱-۲. تحلیل مفهومی تأمین اجتماعی

به‌طور کلی می‌توان گفت اصطلاح تأمین اجتماعی دارای دو مفهوم «مشارکتی» بیمه‌ای و «غیر مشارکتی» است (East, 1999: 15-16). تأمین اجتماعی در معنای مشارکتی به بیمه‌های اجتماعی‌ای اطلاق می‌شود که براساس آن‌ها، برخورداری از تأمین اجتماعی منوط به پرداخت مبلغی تحت عنوان

حق بیمه و غالباً داشتن کار یا حرفه‌ای مشخص یا وابستگی خانوادگی به فرد شاغل است. پس در این معنی تأمین اجتماعی یعنی «تأمین اقتصادی شاغلان و افراد خانواده آن‌ها در برابر رویدادهایی که به کاهش یا قطع درآمد و افزایش هزینه‌های آنان منجر می‌شود در مقابل پرداخت حق بیمه». در چنین نظامی علاوه بر بیمه‌شده، معمولاً کارفرما و دولت نیز بخش زیادی از حق بیمه را که به نسبت دستمزد محاسبه می‌شود، پرداخت می‌کنند که به اعتبار بیسمارک، صدراعظم وقت آلمان به «نظام بیسمارکی» موسوم است (Beatrice, 2001: 15). در معنی غیرمشارکتی، تأمین اجتماعی «دربردارنده مجموعه نهادها و سازمان‌هایی است که بر مبنای همبستگی اجتماعی، در صدد رفع نیاز کلیه شهروندان و تأمین اقتصادی آنان در مقابل خطرات اجتماعی است.» تأمین اجتماعی به این معنی شامل کلیه احاد ملت و نیازمندان می‌شود.

۲-۱-۳. تحلیل مفهومی تبعیض

از نظر تعریف اصطلاحی، تبعیض در هیچ‌یک از میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف نشده، ولی کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۸ مفهوم تبعیض را این‌گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز، انحصار، محدودیت یا اولویت که بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیت‌ها صورت گرفته و هدف از آن محروم کردن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی بوده یا چنین اثری داشته باشد.»^۱ تبعیض به معنای عمل متفاوت و متمایز ساختن چیزها است که از قرن هفدهم در زبان انگلیسی به کار رفته است و معنای تفاوت گذاشتن متعصبانه و غرض‌آلود بین مردم به‌خصوص مردمانی با رنگ‌ها و نژادهای مختلف را نیز می‌دهد (Maddax, 2000: 112-113). به‌طور نا عادلانه رفتار کردن با یک نفر یا بعضی از اعضای گروه‌های خاص در مقایسه با بقیه مردم نیز از تعاریف دیگری است که برای تبعیض به کار رفته است (Elizabeth, 1999: 145).

۲-۱-۴. تحلیل مفهومی قانون اساسی

قانون اساسی به‌عنوان یک سند بالادستی در درون ساختارهای سیاسی حاکمیت‌ها، علاوه بر تعیین رژیم‌های سیاسی، نقش مهمی را توزیع و بازتوزیع قدرت سیاسی دارد و حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌ها نیز در آن گنجانده شده است. از این‌رو به‌عنوان سندی قانونی در تبیین و تضمین حق‌های بنیادین از جمله تأمین اجتماعی به‌عنوان یک حق رفاهی انتظار می‌رود تا در چارچوب کارویژه خود،

1. CCPR General comment, No.18: Non Discrimination, para. 6

آن را به‌ویژه برای زنان بازنمایی کند و جزو رسالت‌های خود قرار دهد. ایوت بالمر، بخشی از کارکرد قانون اساسی را همین موضوع می‌داند که بتواند پتانسیل‌های اعمال حق رفاه را به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر همچون زنان مشخص و آن را به رسمیت بشناسد (Bulmer, 2017: 3).

۲-۱-۵. حقوق رفاهی

حق رفاه که ترکیبی از نسبت میان آسودگی جسمی و ذهنی رفاهی بشر با حقوق اجتماعی است، در نزد بسیاری از حقوق‌دانان جای بحث و گفت‌وگو را گشوده است؛ تا جایی که آن را در زمره حقوق اعلامی که به پشتوانه قانون اساسی وجه رسمی به خود می‌گیرد، تعریف کرده‌اند. صیانت ارزشی از این حق با توجه به عدالت اجتماعی اقتضا داشته تا جنبه حمایتی آن با فاعلیت قانون اساسی در ذیل حقوق اجتماعی مورد تضمین واقع شود. در این رابطه، سهم زنان به‌واسطه توزیع عادلانه کالاهای و خدمات عمومی نیازمند توجه و استحقاق بیشتر است برای اینکه در وضعیت معیشتی و برقراری زندگی آبرومند برای آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند (Hemmati, 2014: 220). قانون اساسی ایران در بند «و» اصل سه، دولت را موظف به رفع کلیه تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها کرده است (Kaabi, 2015: 150).

۳. روش‌شناسی پژوهش

کارکرد اجتماعی حقوق، نیازمند واکاوی در منابع قانونی و استفاده از روش تلفیقی توصیف از نظام‌های حقوق عمومی و تحلیل از اجرای موازین آن‌ها در سطح کلان جامعه است. جامعه هدفی که در این حوزه پژوهشی متشکل از زنان و دختران بوده بایسته استفاده از متغیرهایی هستند که در بخش حقوق رفاه و کارکرد قوانین با داده‌های کیفی همچون عدالت جنسیتی، ارزش‌های انسانی و کرامت مواجه است. این روش در جامعه‌شناسی حقوق رفاهی داده‌های کمی را مانند برخورداری از سطح قدرت خرید و برخورداری از تسهیلات و مزایای تأمین اجتماعی و بیمه‌ها، امکان‌سنجی با شاخص‌ها و برون‌دادهای مالی و معیشتی جهت زدودن فقر و نداری را اقتضا می‌کند. محقق با روش‌شناسی ترکیبی، پلی ارتباطی را میان چشم‌اندازهای نظام‌های قانون‌گذار در برخورد با آسیب‌های اجتماعی برقرار کرده است و از این‌رو ناگزیر به توان‌سنجی از کارآمدی این الگوهای حکمرانی رفاهی در سطوح مختلف اجتماع است. حوزه اشتغال محور و حوزه حمایت محوری که در این دیده‌مان‌های رفاهی ملحوظ بوده تا چه اندازه دربرآوردن نیازهای اقشار آسیب‌پذیر کارکردی مثبت داشته‌اند؟ و به واقعی‌سازی ارزش‌های اجتماعی و حقوق بشری کمک کرده‌اند؟

۴. یافته‌ها

قانون اساسی در جایگاه توزین ارزش‌های حقوق شهروندی و تبلور آرمان‌ها و روایتی از اصول و هنجارهای اخلاقی سهمی داشته که نمی‌توان در نظام سلسله‌مراتب قوانین، دست کم تلقی کرد با توجه به این هنجارها است که می‌توان ملاک‌های دستیابی عادلانه و به دور از تمایزات جنسیتی را در دستیابی به تسهیلات رفاهی محک زد. از نمودهای آن، عدالت جنسیتی است که موجب رفاه و توانمندسازی اقتصادی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مسئله را بر مبنای نمادهای اخلاق عمومی در اصل هشتم با استعانت از احکام تشریحی و زوایای هنجاری مطرح کرده، اما در بخش حقوق رویه‌ای و سازمانی می‌توان به اصول ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۷۱ اشاره کرد که به موضوع پاسخگویی قوای حاکم بر مبنای اصل مسئولیت‌پذیری در راستای تحقق هدف برون‌ذاتی مردم‌سالاری دینی می‌پردازد. متناظر به الگوی هنجاری که در مقدمه قانون اساسی و اصول ۲۰ و ۲۱ مرتبط با جایگاه فردی و اجتماعی بدان اشاره شده است، به شکل کلی دولت موظف به ایفای تعهدات خود در این باره است. در نظام حقوقی ایران، با الهام از شریعت جامع اسلام و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام‌مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی تدوین شده است. توجه به ادبیات ارزشی حقوق اساسی جمهوری اسلامی الهام‌گرفته از مکتب اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین قسط، عدالت با امنیت، استقلال معیشتی و حق تعیین سرنوشت با کارآمدی قانون اساسی وجود دارد (Kadkhodae & Abbasian, 2020: 5).

۵. بحث

یکی از بحران‌هایی که کشورها در مسیر توسعه باید با موفقیت آن را پشت سر بگذارند، توزیع ناعادلانه منابع اقتصاد رفاهی به‌ویژه در میان اقشار آسیب‌پذیر است. اگر نظامی توفیق توزیع متوازن را پیدا نکند، در جامعه‌ای که سرشار از شکاف‌های درآمدی و فاصله رفاه جنسیتی است، به تدریج دچار بحران مشارکت و توزیع خواهد شد.

۵-۱. جایگاه عادلانه زنان در قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی، در موارد متعدد به نفی انحصار، استبداد و استثمار اشاره شده است. به‌طور طبیعی رد انحصار، برابری تمامی شهروندان در بهره‌گیری از امکانات اجتماعی را دربردارد. با توجه به اینکه مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای پیشینه عقیدتی است و حتی در بخش مربوط به «شیوه حکومت در اسلام»، به تبلور آرمان سیاسی ملتی اشاره شده که هم‌کیش و

هم‌فکرند. به این ترتیب در این تلقی، برابری به حوزه عقیدتی محدود می‌شود (Saed Wakil & Askari, 2015: 30). البته در این موضوع، با تعمق در اصول دیگر قانون اساسی، این استنباط صحیح به نظر نمی‌رسد و بنا بر نص صریح قانون، برابری شامل آحاد ملت است. بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بیان می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این قانون بر برابری در برخی جنبه‌ها تأکید کرده است. مصداق بارز این بند می‌تواند برابری در دستیابی به تأمین اجتماعی باشد. نکته دیگر در این بند، تأکید بر تبعیضات ناروا است. پس اعمال تبعیض روا و مثبت ضروری است. از طرف دیگر بند ۱۴ همین اصل، به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون اشاره دارد. اما اصل بنیادین برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بیستم است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» در این اصل قانون اساسی، بر برابری همه شهروندان در مقابل قانون تأکید شده و این حمایت به تمامی حقوق متصور برای آن‌ها تعمیم داده شده است. به مدد این اصل مبنایی، می‌توان کلیه اصول منشعب از اصل برابری را واجد ارزش قانون اساسی دانست و نهاد صیانت از قانون اساسی، یعنی شورای نگهبان، از آن‌ها حمایت به عمل آورد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد با تأکید فراوانی که این قانون از اصل برابری به عمل آورده است، بتوان نتیجه گرفت برابری یکی از مبانی مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و غایت عالی حمایت از حقوق شهروندان به‌شمار می‌رود (Warai, 2006: 263).

۵-۲. موقعیت حقوقی زنان در قانون اساسی

وفق اصل ۲۰ زن و مرد به‌طور یکسان در حمایت قانونی قرار می‌گیرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. البته ضمانت یکسان زن و مرد در برابر قانون، زمانی معنای واقعی خود را می‌یابد که قوانین عادی و موضوعه، تبعیض آمیز و ناعادلانه نباشد و زن و مرد را از حقوق مساوی برخوردار کرده باشد. در غیر این صورت حمایت یکسان، خود نوعی تبعیض محسوب می‌شود؛ بنابراین به استناد اصول یادشده، زنان از کلیه حقوق انسانی و به‌طور خاص حقوق تأمین اجتماعی، به‌صورت مساوی با مردان برخوردارند و منعی برای آن‌ها نباید وجود داشته باشد؛ تنها قیدی که اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌کند، رعایت موازین اسلام است. هرچند در حوزه حقوق خصوصی، تأثیرگذاری موازین اسلامی و نقش آن پررنگ‌تر است،

در حوزه حقوق عمومی و از جمله در تأمین اجتماعی، به این دلیل که خصوصیات فردی مانند جنسیت نقشی ندارند و انسان به ما هو انسان موضوع بحث قرار می‌گیرد، نقش موازین اسلامی به‌عنوان مانع، کمرنگ و حتی می‌توان گفت در حد صفر است. اصل ۲۱ قانون اساسی متضمن ضرورت برقراری برخی تبعیض‌های مثبت در حوزه تأمین اجتماعی است. بند دو این ماده، حمایت از مادران را به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و بند چهار، ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست را مقرر می‌دارد. البته اختصاص حمایت تأمین اجتماعی به زنان در دوران بارداری موجه است؛ زیرا این تبعیض بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان مقرر شده است (Saed Vakil & Askari, 2015: 104).

البته اختصاص حمایت تأمین اجتماعی در دوران حضانت به زنان می‌تواند نوعی تبعیض ناموجه به زیان مردان باشد؛ زیرا در عمل مردان هم ممکن است حضانت فرزند خود را برعهده داشته باشد. «به‌علاوه بر اساس مقررات قانونی، زن و شوهر هر دو تکلیف حضانت را برعهده دارند» (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی). بررسی آرای دیوان عدالت اداری مرتبط با تأمین اجتماعی در پرتو اصل برابری می‌تواند در ارزیابی عملکرد دیوان عدالت اداری و گسترش ادبیات حقوقی تأمین اجتماعی مؤثر باشد. در اینجا نمونه‌ای از آرای دیوان عدالت اداری بررسی می‌شود. به‌موجب بند «ب» تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری که در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۳ به‌موجب ماده واحده‌ای اصلاح شده است، مستخدمان زن با داشتن بیست سال سابقه خدمت می‌توانند بازنشسته شوند. عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که برای زنان کارگر نیز چنین مقرره‌ای پیش‌بینی شود و بر این اساس، مقررات اجتماعی مزایای بیشتری برای آن‌ها در نظر گیرد. ماده واحده‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به‌موجب آن، تبصره‌ای به‌عنوان تبصره ۴ به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی الحاق شد. این تبصره مقرر می‌دارد: «زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق می‌توانند بازنشسته شوند.» با وجود این، سازمان تأمین اجتماعی با صدور بخشنامه‌ای نحوه اجرای تبصره ۴ الحاقی را با قیودی مواجه ساخته بود؛ به‌نحوی که استفاده زنان کارگر از مزایای بازنشستگی را منوط به این کرده که چنین زنانی در تمام دوران خدمت در مشاغل مشمول قانون کار فعالیت داشته باشند. بر این اساس، سابقه اشتغال زنان کارگر در مشاغل غیر از مشاغل قانون کار لحاظ نمی‌شد. با طرح شکایتی در دیوان عدالت اداری در خصوص این بخشنامه، هیئت عمومی دیوان، بند دوم بخشنامه را در قسمت اول، معایر با قانون تشخیص داد و آن را ابطال کرد؛ بنابراین با ابطال بند دوم بخشنامه، سازمان

تأمین اجتماعی دیگر نمی‌تواند از پذیرش تقاضای کارکنانی اجتناب ورزد (Badini & Esmati, 2012: 147).

۵-۳. تأمین اجتماعی زنان

تأمین اجتماعی را به لحاظ روشی در اینجا می‌توان به دو بخش اشتغال محور و حمایت محور تقسیم کرد. تساوی حقوقی بین زن و مرد و منع تبعیض براساس جنسیت، از مسائل حقوق بشر و از شرایط عدالت اجتماعی است. تعهد قانونی به از بین بردن همه اشکال تبعیض علیه زنان یک اصل بنیادین نظام بین‌المللی حقوق بشر است (Rebecca, 1994: 10). وظیفه جامعه جهانی، تضمین تساوی بین تمام افراد بشر، زنان و مردان است که توسط همه اسناد بین‌المللی حقوق بشر ضروری دانسته شده است. حال آنکه در دهه دوم از قرن بیست و یکم، با نسل جدیدی از استانداردهای تأمین اجتماعی مواجه هستیم که در زوایایی متفاوت با قبل عمل می‌کنند. در واقع بر مبنای آرمان‌های هفده گانه سند توسعه سازوکارهای حمایتی در چارچوب‌های تقنینی به ویژه در بخش حقوق رفاه زنان باید سمت و سوی حمایت از مدل توانمندسازی بانوان و فرصت‌سازی داشته باشد برای اینکه به مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها در حوزه‌های مدنی و سیاسی کمک کند (Moini Far, 2011: 28).

بدین ترتیب و با توجه به شرایط و نیازهای ایران و شناسایی زنان محروم از مزایای تأمین اجتماعی رسمی به ویژه بیمه‌های اجتماعی در گروه‌های زنان خانه‌دار و زنان مطلقه می‌توان به ترتیب اولویت به شناسایی دقیق‌تر وضعیت و شرایط آن‌ها پرداخته و در این راستا، ابزارها و راهکارهای مناسب را برای بهره‌مندی آنان از مزایای تأمین اجتماعی تعریف و طراحی کرد.

۵-۳-۱. حوزه اشتغال محور

در این بخش، مستند به توصیه‌نامه شماره ۲۰۲ مصوب سال ۲۰۱۲ سازمان بین‌المللی کار، به اشکال مشاغل به لحاظ رسمی و غیررسمی بودن می‌توان اشاره داشت. الگویی که در این بخش بسیار مهم است، سهم مشارکت زنان در گفت‌وگوهای اجتماعی در بخش اشتغال محور تأمین اجتماعی است. در این بخش، نوعی گذار از الگوی سنتی به سوی پارادایمی جدید در حال شکل‌گیری است (Altaman & Kinson, 2014: 24).

۵-۳-۱-۱. مشاغل غیررسمی و زنان خانه‌دار

در نظام تأمین اجتماعی مورد نظر بورج، وظیفه اصلی زنان، خانه‌داری و تربیت اولاد بود و آنان فقط به طور تبعی (به تبعیت از شوهر خود) از مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌شدند. در نظام طرح‌ریزی شده به وسیله اشپینگ اندرسن حقوق تأمین اجتماعی بر مبنای شهروندی تعریف می‌شود.

همه شهروندان اعم از زن و مرد تحت شرایط مساوی و عام‌الشمول از مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند هستند (Izanolou, 2008). اصلاح مقررات تأمین اجتماعی در جهت برابری زن و مرد و عدم تأثیر جنسیت در برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی - یعنی وضعیتی که امروز در اغلب کشورهای اروپایی حاکم است - امری مطلوب است، اما نفس این امر، برابری میان زن و مرد در حوزه تأمین اجتماعی را محقق نخواهد کرد؛ اگر به این موضوع توجه شود که علی‌رغم گسترش کارمزدی زنان، هنوز زنان شاغل درصد بسیار کمی از جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند و قریب به اتفاق زنان کماکان به انجام مسئولیت‌های خانوادگی مشغول‌اند، تصدیق خواهد شد که صرف عدم تأثیر جنسیت در برخورداری از مزایا، تنها برابری صوری میان زن و مرد را تحقق خواهد بخشید، نه برابری واقعی و ماهوی را. برخی برابری‌خواهان معتقدند نمونه بارز تبعیض ساختار، حکومت ارزش‌های مردانه در مورد مفهوم کار است و مادامی که چنین است، هرگونه تغییر و اصلاح قوانین تأمین اجتماعی در جهت برابری، آرمان برابری واقعی را محقق نخواهد کرد (Safiri, 1998: 177). الگوی راهبردی در اینجا رسمیت مشاغلی است که در چارچوب نظام‌های حمایتی به لحاظ قانونی جنبه رسمی ندارند و از مزایای رفاهی بهره‌مند نیستند. زن به‌عنوان خانه‌دار، مجموعه‌ای از مشاغل (تعلیم و تربیت فرزند، آشپزی و رفت‌و‌رو) را انجام می‌دهد که هریک در اجتماع به‌تنهایی یک شغل محسوب می‌شود و شاغلان آن به اعتبار مؤسسه یا کارگاهی که در آن کار می‌کنند، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند (Sheid, 1998: 11).

در حقوق ایران، مستفاد از برخی مواد قانون مدنی و بند الف تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸ آبان ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مبانی فقهی موضوع، کار زن در منزل اصولاً جنبه رایگان ندارد؛ بنابراین، شرط نخست رابطه کارگر و کارفرمایی فراهم است. با فرض پذیرش رایگان نبودن کار زن در منزل و استحقاق زن در دریافت اجرت، به نظر می‌رسد شرط دیگر وجود رابطه کارگر و کارفرمایی یعنی تبعیت حقوقی هم فراهم است. به موجب ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، «در روابط زوجین، ریاست خانواده از آن شوهر است»؛ بنابراین زن به دستور مرد و تحت نظارت او کار خانه را انجام می‌دهد؛ هرچند مانند بسیاری دیگر از کارگران (نظیر پزشکانی که در خدمت مؤسسه‌ای کار می‌کنند) در انجام تعهد اصلی خود و شیوه اجرای آن استقلال دارد. شوهر را می‌توان کارفرما دانست. محیط خانواده هم می‌تواند کارگاه محسوب شود. برای صدق عنوان رابطه کارگر و کارفرمایی لازم نیست هدف کارگاه انتفاعی باشد. اهداف معنوی و غیرانتفاعی، مانع تحقق این رابطه نیست. به این ترتیب، از آنجا که به موجب ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی «افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند» مشمول مقررات تأمین اجتماعی هستند، می‌توان

بر این عقیده بود که زنان خانه‌دار، براساس مقررات در شمار بیمه‌شدگان اجباری‌اند و کارفرما باید حق بیمه کارگر زن را طبق مقررات قانونی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند و بیمه‌شده زن از تمام مزایای تأمین اجتماعی برخوردار است. البته محسوب‌داشتن زن به‌عنوان بیمه‌شده اجباری از جهات متعدد نظری و عملی، قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد؛ زیرا اخذ حق بیمه از بابت کار زن در خانه، تحمیل بر بودجه خانواده است و ممکن است خانواده را با مشکلات اقتصادی مواجه کند. همچنین صدور اجراییه علیه زوج به‌منظور وصول مطالبات سبب مختل شدن مبنای خانواده می‌شود و ممکن است منشأ اختلافات جدی میان زوجین شود. همچنین محسوب‌کردن زن به‌عنوان کارگر و مرد به‌عنوان کارفرما با مبنای برابری سازگاری ندارد. مشمولان سازمان تأمین اجتماعی هم فقط کارگران نیستند، هرچند که اینان مهم‌ترین مشمولان تأمین اجتماعی‌اند. صاحبان حرف و مشاغل آزاد نیز می‌توانند به‌طور اختیاری و با پرداخت حق بیمه تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرند. به‌موجب «قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۶۵/۶/۳۰» سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با استفاده از مقررات عام قانون تأمین اجتماعی، صاحبان حرف و مشاغل آزاد را به‌صورت اختیاری در برابر تمام یا قسمتی از مزایای قانون تأمین اجتماعی بیمه کند و به‌موجب تبصره یک این ماده واحده: «بیمه‌شده مختار است که سطح درآمد ماهانه خود را که مبنای پرداخت حق بیمه قرار می‌گیرد، بین حداقل و حداکثر دستمزد قانونی انتخاب نماید.» براساس آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۹ صاحبان حرف و مشاغل آزاد، ممکن است خود کارفرمایانی باشند که کارگرانی در اختیار دارند یا خود به‌تنهایی به اشتغال داشته باشند و مشمول مقررات حمایتی خاصی نباشند. این دسته از بیمه‌شدگان را خویش‌فرمایان تشکیل می‌دهند. سازمان تأمین اجتماعی با به‌رسمیت‌شناختن کار خانگی زنان به‌عنوان کار، مجوز لازم در خصوص بیمه زنان خانه‌دار را صادر کرد. خانم‌های خانه‌دار از تاریخ ۸۷/۹/۲۳، با رعایت شرایط مقرر در بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد، در زمره مشمولان این نوع پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرند و در صورت تمایل می‌توانند با مراجعه به یکی از شعب تأمین اجتماعی با عنوان «خانه‌دار» نسبت به تکمیل فرم خوداظهاری و انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه مقرر از تعهدات قانونی متعلقه برخوردار شوند (Izanolou, 2008: 120). از دیرباز در تأمین اجتماعی به خانواده به‌عنوان واحد مالی بسیط نگاه می‌شده که در آن، زن به خانه‌داری و تربیت فرزند می‌پردازد و مرد نان‌آور خانه است. زنان بدون سرپرست نیز از طریق نظام حمایتی تحت پوشش قرار می‌گیرند (Douglas, 2000: 260-263). چنین نگرشی در حقوق سنتی ما رواج بیشتری دارد و به این خاطر در حقوق خانواده، زن همواره تحت تکفل مرد محسوب می‌شود

و باید نفقه او را بپردازد؛ درحالی که مرد هیچ‌گاه تحت تکفل زن نیست. قوانین تأمین اجتماعی ایران با شدت کمتری از نگرش فوق تأثیر پذیرفته است. در قانون تأمین اجتماعی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین مربوط، زن از نظر اقتصادی همواره وابسته به مرد فرض شده است. در شرایط حاضر که تأمین اجتماعی با پوشش سنتی، کارایی خود را از دست داده است. تنها چاره کار این است که سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی، زنان خانه‌دار را مورد توجه خاص قرار دهد. مطابق اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت مکلف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و بند چهار آن اشاره به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست کرده و وظایف دولت را در ارتباط تأمین اجتماعی زنان و جایگاه آن در سیاست‌های حمایتی به‌روشنی تبیین کرده است. اما با وجود آنکه در این قانون، ایجاد بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست مورد تأکید قرار گرفته و در اصل ۲۹ قانون اساسی نیز به ضرورت برخورداری زنان از تأمین اجتماعی با گنجاندن عبارت «یک‌یک» افراد کشور توجه شده است. بسیاری از زنان و دختران بی‌سرپرست مطلقه، سالخورده، بیوه و حتی شاغل تحت پوشش هیچ تأمین و حمایت اجتماعی در کشور قرار ندارند. متأسفانه در کشور ما حمایت‌های تأمین اجتماعی در شکل بیمه‌ای به اعتبار اشتغال بوده و اشتغال را به معنای وجود رابطه میان فرد حقوق‌بگیر و حقوق‌دهنده تعریف می‌کنند؛ بنابراین زنان و دخترانی که به فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری می‌پردازند، به‌عنوان جمعیت غیرفعال از لحاظ اقتصادی محسوب می‌شوند و از تأمین آینده‌ای مناسب برخوردار نیستند، اما شمار زیادی از آنان که شوهر دارند، تنها طبق مقررات قانون مدنی می‌توانند از شوهرشان نفقه بگیرند یا به‌تبع وی چنانچه شاغل باشد، تحت پوشش برخی از حمایت‌های نظام بیمه‌ای (مانند درمان و مستمری بازماندگان) قرار گیرند. اما در صورتی که به‌دلیلی مانند طلاق یا مرگ شوهر (چنانچه حداقل سابقه لازم برای برقراری مستمری بازماندگان را داشته باشد) از شمول خارج می‌شوند؛ بنابراین لازم است خود تحت پوشش نظام بیمه‌ای باشند. برای حل این مشکل پیشنهاد می‌شود آن دسته از زنان خانه‌داری که تابع نظام بیمه‌ای نیستند، از طریق نظام بیمه اجباری مورد حمایت قرار بگیرند و دولت خود بخشی از حق بیمه را پرداخت کند. البته دولت جمهوری اسلامی ایران، اقداماتی برای بیمه کردن زنان خانه‌دار انجام داد، اما به‌دلیل عدم اختصاص ردیف بودجه از سوی دولت برای اجرای آن در سال ۱۳۹۳ با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد. قرار بود برای اجرایی شدن بیمه زنان خانه‌دار، ردیف‌هایی در نظر گرفته شود تا این بیمه اجرایی شود، مانند بودجه فرهنگی کشور که ردیف بودجه خاصی نیز به آن اختصاص داده می‌شود؛ بنابراین و با توجه به مخالفت شورای نگهبان، اجرای بیمه زنان خانه‌دار ظاهراً

منتفی شده است، مگر اینکه مجلس بتواند از محل درآمدهای دولت، اعتباری را برای اجرای بیمه زنان خانه‌دار در نظر بگیرد (Badini, 2008: 61-62).

۵-۳-۱-۲. زنان و مشاغل رسمی

عدم تبعیض بین زن و مرد و برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی که براساس اصل برابری تمامی شهروندان به‌طور یکسان از تأمین اجتماعی برخوردارند و قدمت، نژاد، زبان، مذهب، جنسیت و حتی تابعیت موجب تبعیض نمی‌شود. در میان آنچه بیش از همه مورد بحث قرار گرفته است، اثر جنسیت در برخورداری از مزایای بیمه‌های تأمین اجتماعی است. الگوی راهبردی در این بخش برابری است. اصل برابری به‌صراحت در قوانین و مقررات مرتبط در نظام تأمین اجتماعی ایران تصریح نشده است و قانون‌گذار و نیز دستگاه‌های متولی تأمین اجتماعی ایران توجه کافی به آن مبذول نداشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که حداقل در برخی زمینه‌ها از جمله برقراری مزایای عائله‌مندی و بازماندگان از نظر جنسیتی، تبعیض و تفاوت وجود دارد. با این حال به‌نظر می‌رسد تبعیض به علل جنسیتی در این حوزه کمتر از سایر حوزه‌ها است.

۵-۳-۱-۲-۱. کمک ازدواج و عائله‌مندی

از مزایای تأمین اجتماعی مذکور در قوانین تأمین اجتماعی، تنها «کمک ازدواج و عائله‌مندی» است که زنان و مردان شرایط یکسانی برای برخورداری از آن دارند. زنان و مردان امتیازی بر یکدیگر در این خصوص ندارند و نابرابری قانونی درمورد کمک ازدواج و عائله‌مندی به چشم نمی‌خورد. ولی در قانون مدیریت خدمات کشوری درمورد کمک ازدواج و عائله‌مندی بین زنان و مردان فرق وجود دارد. یکی از شرایط برخورداری از آن، هم برای زنان و هم برای مردان، این است که در تاریخ ازدواج، رابطه استخدامی فرد با کارفرما قطع نشده باشد. در واقع درصد کمی از زنان و دختران جامعه ایرانی مزدگیرند تا به‌تبع آن، شرایط برخورداری از کمک ازدواج و عائله‌مندی را دارا باشند و علی‌رغم اینکه جامعه ایران در مسیر صنعتی شدن قرار گرفته، هنوز الگوی سنتی خانواده در آن حکم‌فرما است. الگویی که براساس آن، زنان کمتر فرصت می‌کنند نقشی اقتصادی در خارج از محیط خانه داشته باشند (Iraqi et al., 2007: 98).

۵-۳-۱-۲-۲. مستمری بازنشستگی

مستمری بازنشستگی، یکی دیگر از مزایای تأمین اجتماعی است. با نگاهی به ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و تبصره‌های آن و اصلاحاتی که در آن صورت گرفته است. در مجموع می‌توان گفت زنان از شرایط مساعدتر قانونی برای برخورداری از مزایای بازنشستگی بهره‌مند هستند؛ به‌خاطر اینکه با

سن کمتر از مردان بازنشسته شوند و نتیجه تفاوت سن این خواهد بود که زودتر مستمری دریافت می‌کنند و اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم زنان ایرانی، به دلیل نظام اقتصادی-اجتماعی حاکم، کمتر فرصت بیمه‌شدن را به صورت مستقل پیدا می‌کنند. آنگاه این تفاوت سن دریافت مستمری بازنشستگی را برای حمایت از زنان، در راستای رفع نابرابری برآمده از نظام اقتصادی-اجتماعی تأیید خواهیم کرد و همچنین علت منطقی اختلاف شرایط احراز برای مستمری بازنشستگی زن و مرد را می‌توان جبران سال‌هایی دانست که زن صرف مراقبت از کودک می‌کند (Naiemi et al., 2013: 282).

۵-۳-۱-۲-۳. مستمری از کارافتادگی

یکی دیگر از مزایای تأمین اجتماعی مستمری از کارافتادگی است که مردان از حیث قانونی در برخورداری از این مزایا امتیازی بر زنان ندارند و زنان در صورتی که از کارافتاده شوند، می‌توانند از مستمری مربوط به آن، مانند مردان استفاده کنند. در قانون تأمین اجتماعی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین، زن از نظر اقتصادی وابسته به مرد فرض شده است؛ بنابراین تنها شرط برخورداری او از مزایای تأمین اجتماعی به تبع شوهرش، اثبات رابطه زوجیت است.

۵-۳-۱-۲-۴. مزایای درمان

مزایای درمان تأمین اجتماعی، از مزایای بسیار مهم و مؤثر محسوب می‌شود. برای استفاده از این مزایا به عنوان مستقل «بیمه‌شده اصلی» تفاوتی بین زن و مرد نیست، ولی اگر زن و مرد به نحو تبعی و غیرمستقیم بخواهند از این مزایا استفاده کنند، تفاوت‌ها آشکار می‌شود. زن به صرف همسر بودن از این مزایا برخوردار است، ولی مرد باید شرایط بند ۲ ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی را دارا باشد؛ یعنی بیش از ۶۰ سال داشته باشد یا از کارافتاده باشد و در هر دو حالت معاش او توسط بیمه‌شده زن تأمین شود. مفاد بند ۲ ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی هم که در مورد مستمری از کارافتادگی و هم مزایای درمان صادق است و اجرا می‌شود و این مقررات ممکن است موجب رفتار نابرابر بین زنان و مردان، به ضرر مردان باشد (Naiemi & Partow, 2014: 355-356).

۵-۳-۱-۲-۵. مستمری بازماندگان

یکی دیگر از مزایای تأمین اجتماعی، مستمری بازماندگان است. در این مستمری، شوهر بازمانده و زن بازمانده از شرایط یکسانی برای دریافت مستمری برخوردار نیستند. عیال بیمه‌شده فقط به این شرط که شوهر اختیار نکرده باشد از مستمری بازماندگان بهره‌مند است؛ در حالی که شوهر بازمانده در صورتی از این مستمری می‌تواند استفاده کند که: ۱. در زمان حیات زن تحت تکفل او بوده و

وابستگی مالی به او داشته باشد؛ ۲. از کار افتاده باشد یا سن او از ۶۰ متجاوز باشد. ۳. در هر حال از سازمان هیچ نوع مستمری دیگری دریافت ندارد (قانون تأمین اجتماعی، ۸۱ و ۸۲). تا چندی پیش، فرزندان زنان بیمه شده تنها در شرایط استثنایی می توانستند به اعتبار مادرشان از مستمری بازماندگان استفاده کنند، اما خوشبختانه قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی، مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوق های بازنشستگی مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۵ این محدودیت را برداشته و برقراری مستمری جهت این قبیل فرزندان مانند فرزندان بیمه شده مرد امکان پذیر است (Badini, 2008: 65).

۵-۳-۱-۲-۶. کمک بارداری و زایمان

آیا مزایای کمک بارداری و زایمان ویژه بیمه شدگان زن است یا استفاده از این مزایا برای بیمه شدگان مرد هم امکان پذیر است؟ در نگاه اول طرح این پرسش، نادرست به نظر می رسد؛ زیرا کمک بارداری و زایمان به دلایل طبیعی و فیزیولوژیکی فقط به زنان اختصاص دارد، ولی برابری خواهان حتی از این جهت خواهان آن هستند که تا حد ممکن مردان بیمه شده نیز مانند زنان بیمه شده از این مزایا برخوردار شوند. در حقوق ایران با توجه به افزایش مهلت مرخصی موسوم به زایمان تا نه ماه و اینکه بخش زیادی از مرخصی پس از زایمان جهت مراقبت از فرزند در نظر گرفته شده و این امر اختصاص به بیمه شده زن ندارد. همچنین با توجه به ماده ۶۷ قانون تأمین اجتماعی مبنی بر تعلق این مرخصی و غرامت دستمزد آن ایام به بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد، اولاً پس از فوت مادر قبل از پایان مرخصی زایمان، باید به پدر اجازه داد تا با حفظ حقوق و مزایا از باقیمانده مدت مرخصی استفاده کند. دوم پس از گذشت مدتی که جهت سلامت مادر ضروری است (هفت تا هشت هفته پس از زایمان) باید به زوجین اختیار داد تا از میان خود یکی را جهت استفاده از باقیمانده مدت مرخصی استفاده کند (Naiemi & Partow, 2014: 351).

۵-۳-۲. حوزه حمایت محور برای زنان بی سرپرست و بدسرپرست

یکی از مهم ترین خلأهای قانونی در حوزه تأمین اجتماعی، فقدان مقررات مناسب در حوزه حمایت محور بانوان با توجه به الگوی اخلاق معیشتی به ویژه در مورد زنان مطلقه است. تا زمانی که زوجین زندگی مشترک دارند، فقدان حمایت تأمین اجتماعی از زن خانه دار برای او چندان محسوس نیست. همان ضرورتی که ایجاب می کند پس از فوت نان آور خانواده، همسر بازمانده تحت تکفل او، باید از حمایت مناسب تأمین اجتماعی برخوردار باشد، اصلح آن است که این حمایت به فرض طلاق هم، گسترش یابد. به همین دلیل در بسیاری از کشورها، در فرض طلاق نیز مقررات مشابهی وجود

دارد (Reinhard, 1986: 55). برعکس، در حقوق ایران همسر مطلقه نه به‌عنوان بیمه‌شده اصلی و نه به‌عنوان بیمه‌شده تبعی، از هیچ‌گونه حمایت تأمین اجتماعی برخوردار نیست و این در حالی است که قانون اساسی در اصل ۲۱ به ضرورت حمایت اجتماعی از زنان بیوه تصریح دارد. درمورد بند ۴ اصل ۲۱ که ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست را مقرر می‌دارد باید گفت: این مقررده حاوی یک تبعیض مثبت به سود زنان است. هرچند تبعیض مثبت به سود زنان توسط بسیاری مورد استقبال قرار گرفته است، اما به‌رحال مصون از انتقاد هم نیست. به‌رحال متن این اصل هم در حوزه تأمین اجتماعی به معنای خاص، توسط قوانین عادی جامه عمل پوشیده است. یکی از خلاءهای تأمین اجتماعی در حقوق ما، حمایت از همسران (به‌ویژه زنان) بیمه‌شدگان پس از طلاق است و لازم است در این زمینه مقررات ویژه‌ای وضع شود. این تصور که کار، فقط شامل کار فردی در بیرون از مسکن مشترک است و همین‌طور در نظر نگرفتن مسئولیت‌های خانوادگی و به‌ویژه مراقبت از فرزند به‌عنوان خطر تحت پوشش تأمین اجتماعی، ناشی از غلبه الگوی مردانه از کار و خطرات احتمالی قطع آن است که این خود ناشی از تبعیض ساختاری است. برای حمایت از زنان مطلقه توسط نظام بیمه‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی به معنای خاص) راه‌های مختلفی وجود دارد و البته نوع حمایت به‌طور کامل به طرز حمایت تأمین اجتماعی از زنان خانه‌دار بستگی دارد. در مباحث گذشته، دو طریق اصلی حمایت از زنان خانه‌دار بیان شد: یکی از شیوه‌های حمایت از زنان خانه‌دار محسوب کردن مسئولیت‌های خانوادگی به‌عنوان خطر تحت پوشش تأمین اجتماعی است. در نتیجه از آنجا که در طول مدت مسئولیت خانوادگی، شغل زن حفظ می‌شود و مدت مذکور جزو سوابق بیمه‌ای او حساب می‌شود، چنین بیمه‌شده‌ای پس از طلاق با مشکل خاصی مواجه نمی‌شود. همچنین چنانچه کار خانه به‌عنوان «کار» پذیرفته شود و زن خانه‌دار در طول زندگی زناشویی، چه به‌عنوان کارگر تحت بیمه اجباری و چه به‌عنوان خویش‌فرما تحت بیمه حرف و مشاغل آزاد قرار گرفته باشد، باز هم طلاق از جهت حمایت‌های تأمین اجتماعی، تأثیری منفی بر زندگی او ندارد. علاوه‌براین راه‌حل سومی هم وجود دارد که در برخی کشورها اجرا می‌شود و این راه‌حل نظام تقسیم مستمری است؛ مثلاً در حقوق آلمان، تقسیم مستمری تأمین اجتماعی میان زوجین را شاخه‌ای از نظام مشترک اموال زوجین دانسته و قاضی به هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص طلاق، همان‌گونه که باید در خصوص نفقه، حضانت و اموال زوجین تصمیم‌گیری کند، باید درباره وضعیت مستمری تأمین اجتماعی و چگونگی تقسیم میان زوجین هم نظر دهد. در نهایت لازم است به قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ اشاره کرد. این قانون زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، سایر زنان و دختران بی‌سرپرست و نیز کودکان بی‌سرپرست را که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگر

نیستند. حسب مورد، مشمول حمایت قرار داده و سازمان بهزیستی کشور را مسئول اجرای آن دانسته است. با تأکید بر اینکه کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسات عمومی در این ارتباط موظف به همکاری با آن سازمان‌اند، در ایران قانون صحبتی از مردان بی‌سرپرست نشده است و این بیانگر تبعیض در برخورداری از تأمین اجتماعی بین زنان و مردان بی‌سرپرست در ایران است (Ghaffary, 2016: 5).

۵-۳-۳. حوزه امدادی و زنان آسیب‌دیده

یکی از موضوعات شایع در عرصه مطالعات عمومی، آسیب‌های اجتماعی هستند. الگوی راهبردی مطرح در این حوزه، مداومت بر خدمت‌رسانی است. تأملی بر آمارهای کشور نشان از افزایش آمار در حوزه‌های مختلف از جمله مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، طلاق و پیامدهای آن، خشونت خانگی، فرار از منزل، کودکان خیابانی، خودکشی، آسیب‌های فضای مجازی، زناشویی آسیب‌های اجتماعی، کاهش سن افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی و تنوع آسیب‌های اجتماعی است. از آنجا که ارزش‌های حقوق اساسی با رویکردی به سنت مردم‌سالاری دینی و گفتگویی از جنس حاکمیت دینی در تلفیق با جمهوریت هستند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مسئله را بر مبنای نمادهای الگوی اخلاق معیشتی در اصل هشتم با استعانت از احکام تشریحی و زوایای هنجاری تکافل مطرح کرده است. اما در بخش حقوق رویه‌ای و سازمانی می‌توان به اصول ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۷۱ اشاره کرد که به موضوع پاسخگویی قوای حاکم بر مبنای اصل مسئولیت‌پذیری در راستای تحقق هدف برون‌ذاتی مردم‌سالاری دینی می‌پردازد. بعد از انقلاب اسلامی، نارضایتی مردم از توزیع ناعادلانه امکانات در دوره قبل منجر شد تا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بند ۱۲ اصل ۳ به پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه اختصاص داده شود. مطابق اصل ۳، شرط مهم اجرایی شدن عدالت توزیعی، مشارکت آحاد ملت برای تعیین حق بر سرنوشت بوده که با بسیج امکانات می‌توان گام‌های بلندی در چارچوب تحولات اقتصادی در مسیر توسعه برداشت.

به این ترتیب اصل ششم بر مشارکتی شدن ساختارها، اصل ۷ بر مدیریت شورایی به اعتبار عدالت محلی و اصل ۸ بر نظارت اخلاقی در قالب مسئولیت عمومی مشترک می‌پردازد. در تکمیل این اصول، سند چشم‌انداز با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی و تاب‌آور در مقابل آسیب‌های شایع عمومی آن را مورد پیگیری قرار می‌دهد (Hosseini & Kazemi Najafabadi, 2018: 25, 63).

۶. نتیجه گیری

حق‌های بشری صرف‌نظر از مینا و ماهیت خود نیاز به تضمین و رعایت دارند. به همین منظور با نظام حقوقی ارتباط می‌یابند و متعین می‌شوند. این تعیین در اصل بیست‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ نمود یافته است. به نظر می‌رسد همه انسان‌ها به ما هو انسان، حق بر حداقل معینی از رفاه مادی را دارند، اما به‌عنوان شهروند خاص می‌توانند حق بر تأمین اجتماعی بیشتری را که فراتر از آن حداقل جهان‌شمول است، داشته باشند. درست است که مرزها برخی ملاحظات و ضرورت‌ها را دارد، اما معتقدند هنوز یک حداقلی از رفاه مادی وجود دارد که همه انسان‌ها بدون ارجاع به آن مرزها بر آن محقق هستند. به این ترتیب دولت‌ها باید با تعبیه نظام تأمین اجتماعی در جهت رفاه تمام اقشار جامعه از جمله بانوان به‌عنوان بخش مهمی از منابع انسانی جامعه تلاش بکنند؛ زیرا تقویت حقوق زنان در این حوزه، توسعه آنان را در جامعه موجب خواهد شد. هرچند این تعهد دولت‌ها از نوع تعهد به وسیله است، با توجه به امکانات موجود، دولت‌ها باید تمام تلاش خود را در جهت رفاه و توسعه اجتماعی به‌کار گیرند. در طول تاریخ، مشارکت و توان مشارکت سبب محرومیت زنان از حقوق شهروندی شده است؛ به‌طوری‌که ضعف جسمی و وضعیت خاص زنان (موقعیت مادرانه داشتن) آن‌ها را از مشارکت در بسیاری از حوزه‌ها محروم کرده است. جمهوری اسلامی ایران در راستای تبیین آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی مبتنی بر حاکمیت مردم‌سالاری با رویکرد نظام اخلاق دینی، طی چهار دهه حیات سیاسی انباشته از تجربیات ارزشمند است. نگاه مسئولانه و به اتکا به گفت‌وگوهای اجتماعی و پاسخگویی به کاستی‌ها و نارسایی‌های ناشی از عملیاتی‌کردن سیاست‌های توسعه ملی و مجاب‌ساختن مردم، موضوعی قابل‌درنگ در واپسین سال‌های دهه دوم قرن بیست‌ویکم است. در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی از مسائل حقوق بشری زنان بیشتر به کار و به تبع آن تأمین اجتماعی برمی‌گردد و همین امر به بحث برابری و تفاوت دامن می‌زند. با توجه به بیش از چهار دهه، از برقراری حقوق اساسی جمهوری اسلامی می‌توان بیان کرد اگرچه حقوق رفاه و تأمین اجتماعی زنان در قانون اساسی تصریح شده است، اما تحقق کامل آن نیازمند تمهید اقداماتی جهت برقراری عدالت اقتصادی با تأکید بر توانمندسازی زنان است. علاوه‌براین، اصل مشترک بودن زن و مرد در انسان بودن و اصل برابری همه انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق بنیادین انسانی، لازمه پیش‌فرض برابری زن و مرد در بهره‌مندی از حقوق بشر از جمله حق تأمین اجتماعی به‌عنوان حق بشری است.

۷. پیشنهادها

علی‌رغم بهره‌مندی زنان از حقوق شهروندی اجتماعی، از آنجا که بسیاری از اشکال سیاست‌گذاری اجتماعی بیمه‌محور و وابسته به مشارکت تمام‌وقت در بازار کارند؛ زنان به‌صورت غیرمتعادل یا خارج از بازار کارند یا کار پاره‌وقت دارند. آن‌ها این کار را بر یک مبنای متفاوت یا با مزایای کمتر انجام می‌دهند. فرصت‌های توانمندساز در گرو ایجاد فرصت‌های تقنینی و به‌وسیله قانون اساسی به‌وجود می‌آید. از این‌رو، زنان شاغل درصد بسیار کمی از جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند و قریب به اتفاق زنان کماکان به انجام مسئولیت‌های خانوادگی مشغول‌اند. به این ترتیب صرف عدم تأثیر جنسیت در برخورداری از مزایا، تنها برابری صوری میان زن و مرد را تحقق خواهد بخشید، نه برابری واقعی و ماهوی را. در نتیجه برابری در تأمین اجتماعی، نه با تغییر مقررات تأمین اجتماعی، بلکه با تغییر مفاهیم حقوق کار، محقق خواهد شد. زن به‌عنوان خانه‌دار، مجموعه‌ای از مشاغل را انجام می‌دهد که هر یک در اجتماع به‌تنهایی یک شغل محسوب می‌شود و شاغلان آن به اعتبار مؤسسه یا کارگاهی که در آن کار می‌کنند، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند. چنانچه زن خانه‌دار، عهده‌دار انجام این امور نبود، مردان مجبور بودند برای انجام آن‌ها از بخشی از حقوق خود صرف‌نظر کنند. برای حمایت از زنان مطلقه و خانه‌دار توسط نظام بیمه‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی به معنای خاص) راه‌هایی می‌توان پیشنهاد کرد. یکی از این راه‌ها، محسوب‌کردن مسئولیت‌های خانوادگی به‌عنوان خطر تحت پوشش تأمین اجتماعی است؛ با این توضیح که در طول مدت مسئولیت خانوادگی، شغل زن حفظ می‌شود و مدت مذکور جزء سوابق بیمه‌ای او محسوب می‌شود. راه‌حل دوم به‌کارگیری نظام تقسیم مستمری است.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پژوهش نویسندگان است و در آن هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Altaman, N., & Kinson, E. R. (2014). *Social Security Works*. Published in the United States by the New Press, New York.
- Amid, H. (2010). *Amid Persian Dictionary*. Tehran: Rah Rushd. (In Persian)
- Badini, H. (2008). Critical Research in the Social Security Legal System. *Law Quarterly, Faculty of Law and Political Science*, 38(4), 57-88. (In Persian)

- Badini, H., & Esmati, Z. (2012). A Critical Study of the Application of the Governing Principles of Social Security in Iran's Law. *Social Welfare Quarterly*, 12(44), 199-230. (In Persian)
- Bulmer, E. (2017). *What is a Constitution Principles and concepts, 2017 International Institute for Democracy and Electoral Assistance (International IDEA)*. Second edition. Strömsborg.
- CCPR General Comment, No. 18: Non Discrimination, office of the high commissioner for human rights, Adopted at the Thirty-seventh Session of the Human Rights Committee, on 10 November 1989, <https://www.refworld.org/docid/453883fa8.html>
- Center for Women's Participation in the Presidency (2002). *Collection of papers of the Conference and Challenges and Prospects of Iran's Development*, second book, report on women and development, Higher Institute of Education and Research, Management and Planning, prepared by: Higher Institute of Social Security Research, Tehran. (In Persian)
- Committee on Economic, Social & Cultural Right, General Comment No. 16: The Equal right of men and women to the enjoyment of all economic, Social & cultural rights (art.3 of the International Covenant on economic, social & cultural rights), thirty- fourth session (2005).
- Douglas, G. (2000). The Family, Gender and Social Security, In *Social security Law in context*, edited by Nevill Harris, Oxford University Press.
- Ghaffary, Gh. R. (2016). Dynamics of Development programs in Iran post Islamic Revolution. *Quarterly of Social studies and research in Iran*, 5(1), 1-18. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58373> (In Persian)
- Hemmati, M. (2014). *Citizen Rights and the Second Generation of Human Rights*. Tehran: Khorsandi Publications. (In Persian)
- Heydari, F. (2018). The role and participation of women in sustainable development. *Quarterly of the Protection of Women's Rights*, 3(11), 99-115. (In Persian)
- Hosseini, S. R., & Kazemi Najafabadi, M. (2018) foundations of Social Takafule in Islam. *Journal of Marefat*, 27(245), 23-35. (In Persian)
- ILO Declaration on Social Justice for a Fair Globalization adopted by the International Labour Conference at its Ninety-seventh Session, Geneva, 10 June 2008.

- Iraqi, S. E., Shahabi, M., & Badini, H. (2007). *An introduction to social security rights*. Tehran: Higher Institute of Social Security Research. (In Persian)
- Izanlou, M. (2008). *Gender plan and social security rights (comparative study)*. Tehran: Higher Social Security Research Institute. (In Persian)
- Kaabi, A. (2015). Analysis of the foundations of the Islamic Republic of Iran system based on the principles of the Constitution. Vol. 1. Tehran: Research Institute of Shoraye Negahban. (In Persian)
- Kadkhodae, A. A., & Abbasian, M. (2020). Theoretical Fundamentals of Economic Justice in the Light of Effectiveness in Constitutional Law of Islamic Republic of Iran. *The Public Law Studies Quarterly the Faculty of Law and Political Science at the University of Tehran*, 50(1), 1-21. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.130784.1096> (In Persian)
- Khomeini, R. (1989). *Sahifeh Noor*. Vol. 6. Tehran: Imam Khomeini's Writings and Publishing Institute. (In Persian)
- Maddax, R. L. (2000). *International Encyclopedia of human rights; Freedoms; Abuses and Remedies*. Washington D.C: C Q Press Division of congressional Quarterly.
- Madioni-Dantiano, B. (2001). Insurance and social support. Translated by: I. Aliabadi. Tehran: Higher Institute of Social Security Research. (In Persian)
- Malekzadeh, F. (2016). Women's social and political rights. Tehran: Dadgostar. (In Persian)
- Martin, E. A. (1999). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Moinifar, H. (2011). Welfare states and family support policies, Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Naiemi, O., & Parto, H. R. (2013). Social security law in the Iranian contemporary legal system (3rd edition). Tehran: Publication of Jungle. (In Persian)
- Naiemi, O., & Partow, H. R. (2014). *Social security law with a focus on insurance domain*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Outhwaite, W., & Bottomore, T. (2013). Dictionary of Twentieth-Century Social Thought. Translated by: H. Chavoushiyan. Tehran: Ney. (In Persian)

- Rebecca, J. C. (1994). Womens International Human Rights, In Rebecca (ed) J. Cook, Human Rights of Women: National and International Prespective, Philadelphia: University of pensylvani press, P 10.
- Reinhard (Hans-Joachim) (1986). The Spliting of Pension Credits in The Federal Republic of Germany and Canada,an Appropriate Way to Achieve Equality in Social Security Treatment for Men and Women?, In "Equality Treatment in social security", ISSA, p 55.
- Saed Vakil, A., & Askari, P. (2015). The Constitutional law in contemporary legal system (7th edition). Tehran: Majd Publications. (In Persian)
- Safiri, Kh. (1998). *Sociology of women's occupations*. Tehran: Tebian Cultural Institute and Publications. (In Persian)
- Sheid, N. (1998). Change the job description! The road will be paved for housewives' insurance. *Journal of Women's Rights*, 5, 5-11. (In Persian)
- Sotoudeh, H. (2000). *Social Pathology*. Tehran: Publication of Avaye Noor. (In Persian)
- United Nation High Commissioner for Human Right, Building on Achievements: Women's Human Rights Five years after Beijing," May 2000.
- Warai, S. J. (2006). *The Foundations and Documents of the Constitution of the Islamic Republic according to the Legislator*. Tehran: Publications of the Secretariat of the Majles of Khobrehgan Rahbari. (In Persian)